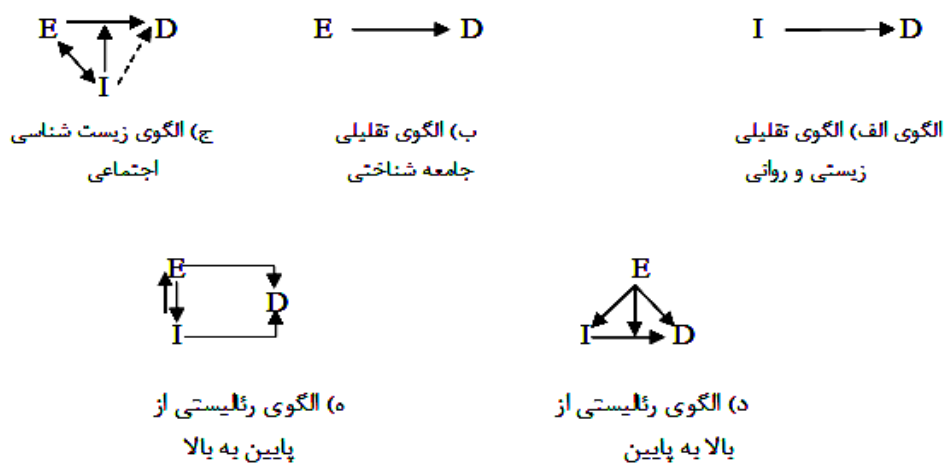


نام خانوادگی: جعفری	نام: قاسم
عنوان پایان نامه: مطالعه جامعه شناختی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان در شهر تبریز (مطالعه‌ی موردی مناطق حاشیه نشین).	
استاد راهنما: دکتر حسین بنی فاطمه	استاد مشاور: دکتر ابوعلی ودادهیر
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته تحصیلی: پژوهش علوم اجتماعی
دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی	تاریخ فارغ التحصیلی: تعداد صفحه: ۱۳۱
کلید واژه ها: ساختار اجتماعی (آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی)، یادگیری اجتماعی (همنشینی افتراقی)، تقویت کننده‌ی افتراقی، تعاریف)، فضای حاشیه نشینی، مدل SSSL، بزهکاری نوجوانان.	
چکیده:	
<p>این مطالعه با روش الگوی توضیح رئالیستی انجام یافته است. متناسب با الگوی توضیح رئالیستی مدل SSSL قرار داده شده است. فرض بنیانی در مدل SSSL فضا سازی ساختار جامعه در یادگیری اجتماعی جرم و کجروی است. مطابق با مدل SSSL متغیرهای ساختاری سن، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و ساختار خانواده قرار داده شده است و همچنین متناسب با شرایط کشورهای در حال توسعه متغیرهای ساختاری تئوریک آنومی اجتماعی و بی سازمانی اجتماعی در مدل قرار داده شده‌اند.</p> <p>نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر از بین نوجوانان ۱۹-۱۴ ساله‌ی مناطق حاشیه نشین شهر تبریز، به شیوه‌ی نمونه‌گیری ترکیبی هدفمند به تعداد ۳۲۰ نفر برآورد گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزارهای spss و lisrel استفاده شده است.</p> <p>نتایج پژوهش نشان داد که همبستگی بین متغیرهای تئوریک ساختاری و ابعاد یادگیری اجتماعی و نیز ابعاد یادگیری اجتماعی و بزهکاری نوجوانان تایید شد.</p> <p>نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی بزهکاری نشان داد که از بین ابعاد یادگیری اجتماعی، بعد همنشینی افتراقی بیشترین تاثیر را بر بزهکاری نوجوانان داشته است، و تمامی متغیرهای باقی مانده در این مدل، ۶۳ درصد از واریانس این متغیر را تبیین نموده‌اند؛ همچنین در مدل معادلات ساختاری، متغیرهای ساختاری تئوریک (آنومی اجتماعی و بی سازمانی اجتماعی)، سبب فضا سازی بر روی یادگیری اجتماعی بزهکاری می‌شوند و فضای یادگیری اجتماعی نیز تولید بزهکاری و کجروی می‌کند.</p> <p>این نتایج موید بکارگیری الگوی توضیح رئالیستی در تبیین مسئله کجروی است.</p>	



در عهد قدیم، عمدتاً از دیدگاه صرف اخلاقی به مقوله‌ی کژرفتاری نگریسته و کژرفتاری مقوله‌ای صرفاً «شر» یا «گناه» قلمداد می‌شد و به همین دلیل جامعه در صدد دفع «شر» و رفع «آلودگی» بود. در عصر جدید با گسترش علوم و پیدایش و بسط علوم رفتاری و علوم اجتماعی، به موازات ارزیابی اخلاقی، تعلیل عقلانی و تحلیل تجربی، مقوله‌ی بزهکاری و کژرفتاری جای خود را در علوم باز کرد. در این میان علوم زیستی (شامل طب) و علوم شناختی هر یک در قلمرو رشته‌ی خود مدعی هستند که می‌توانند برای جرم علل (نزدیک) زیستی، نورولوژیک و روانی بیابند تا جایی که امروزه جرم تا حدودی «طبی شده»^۱ و به اصطلاح «بدی»^۲ جای خود را به «بیماری»^۳ و «دیوانگی» سپرده است. در مقابل علوم اجتماعی هر یک در قلمرو رشته‌ی خود به دنبال علل دور جرم (اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) در سطوح اجتماعی خرد و کلان برآمدند تا جایی که «جرم» تا حدودی به یک «امر اجتماعی» بدل شد. ممکن است مناقشه‌ی دیرینه‌ی مربوط به اثرات محیط‌های درونی و بیرونی بر رفتار از جمله کژرفتاری را تا به امروز به پنج مدل کلی تقلیل داد (شکل ۱).



شکل ۱- الگوهای نظری کلی کژرفتاری

1. medicalized
2. badness
3. illness

تعاریف سه مجموعه‌ی مطرح شده در این شکل عبارت اند از:

$E = \{ \text{محیط بیرونی} = \{ \text{عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی} \}$

$I = \{ \text{محیط درونی} = \{ \text{عوامل روانی، عوامل عصبی، عوامل زیستی} \}$

$D = \{ \text{کژرفتاری} = \{ \text{انواع کژرفتاری} \}$

الگوی الف، علل جرم را در تحلیل نهایی عوامل زیستی و روانی می‌داند (تئوری خصلت‌های فردی). در مقابل، الگوی ب، عوامل تعیین‌کننده‌ی کژرفتاری را در محیط بیرونی جست و جو می‌کند (تئوری نابسامانی اجتماعی، تئوری آنومی، تئوری احساس فشار و انحراف فرهنگی، تئوری تضاد و...). طبق الگوی ج، عوامل زیستی و عوامل محیطی شرایط کافی (عوامل تسهیل‌کننده) کژرفتاری را تشکیل می‌دهند. زیست‌شناسی اجتماعی برای رفتار انسانی مبنای ژنتیکی قائل است؛ به عبارت دیگر سازوکار مولد در رفتار انسانی «تولید مثل برای بقای موفقیت آمیز» در محیط است (ولد، ۱۹۹۸؛ ویلسون، ۱۹۹۸؛ هاگان، ۲۰۰۲؛ سیگل، ۲۰۰۳؛ به نقل از چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

الگوی د، نسخه‌ی پیشرفته‌ی الگوی ب است. این الگو بر این فرض اساسی استوار است که جهت‌علی از کل به جزء است؛ یعنی، کلیت‌ها دارای آثار علی بر اجزاء زیر مجموعه‌ها هستند. در این الگو ساختارهای محیط بیرونی و سازوکارهای مولد موجود در آن‌ها اعم از نهفته یا فعال مسئول رفتار انسانی از جمله کژرفتاری محسوب می‌شوند (Vold, Bernard and Snipes, 1998; Akers, 2000). الگوی ه، یعنی الگوی رئالیستی از پایین به سمت بالا نوع بسط یافته‌ی چهار الگوی پیشین است. دو فرض اساسی بنیان الگوی اخیر را تشکیل می‌دهند، یکی اینکه بین کل و جزء یک رابطه‌ی علی دو طرفه وجود دارد. دیگر اینکه هر لایه از وجود؛ اعم از زیستی، عصبی، شناختی/روانی و اجتماعی دارای استقلال نسبی است.

در سالهای اخیر متخصصان جرم و بزهکاری سعی کرده‌اند تا مفاهیم و ویژگی‌های تئوری‌های بیولوژیکی، روان‌شناختی، ساختار اجتماعی و فرایند اجتماعی را در قالب یک الگوی تئوریک واحد برای تبیین بزهکاری بکار بندند. در این مطالعه، برای بررسی بزهکاری نوجوانان از تئوریهای یادگیری اجتماعی و تئوریهای ساختار اجتماعی استفاده شده است. می‌توان ترکیب این تئوری‌ها را جزء الگوی چهارم دانست. مدل ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی حاصل کار رونالد اکرز^۱ (۱۹۹۸) است که بنام مدل^۲ SSSL شناخته می‌شود (Akers, 1998). قضیه‌ی محوری مدل SSSL، بزهکاری نوجوانان را حاصل ساختار اجتماعی (علل دور) و یادگیری اجتماعی (علل نزدیک) می‌داند. به

1. Ronald I. akers

2. Social Learning and Social Structure

عبارت بهتر کدام یک از عوامل ساختاری سبب فضا سازی برای یادگیری اجتماعی رفتار بزهکارانه می شوند. مطالعه‌ی حاضر در پی پاسخ‌گویی به همین سؤال کلیدی است.

۱-۱- طرح مسأله

جوانی ساخت جمعیت در ایران و تأخر فرایند جامعه پذیری نسبت به نظم نوین جهانی در جامعه‌ی در حال گذار ایران، به رشد مسأله‌ی بزهکاری نوجوانان انجامیده است. نوجوانانی که نمی‌توانند بر مبنای ضعف عملکرد نهادهای جامعه پذیری و نابسامانی فضای ساختی در نظام اجتماعی، تمایلات خود را به سوی رفتارهای هم‌نوا سوق دهند ممکن است به سوی رفتارهای انحرافی کشیده شوند و در صورت دریافت بر چسب منحرف از سوی نهادهای کنترل اجتماعی به عنوان بزهکار شناخته شوند (محمدی اصل، ۱۳۸۴).

در طرح مسأله‌ی بزهکاری نوجوانان در ایران و روند افزایشی آن در سالهای اخیر مراجعه به آمار رفتارهایی که در جامعه باز نمودی از واقعیت اجتماعی بزهکاری است می‌تواند مسأله‌ی مورد پژوهش را مورد توجه جدی قرار دهد. هر چند که آمارهای رسمی مربوط به رفتارهای انحرافی سنجش درستی از تعداد و خصوصیات بزهکاران بدست نمی‌دهند (sellin 1962:21). از سویی به سبب گزینشی بودن رفتار و نهادهای کنترل و ثبت بزه و انحراف و نیز انتخابی بودن مجازات بزهکاران، مسأله‌ی وقایع ثبتی بزه و جرم کاملاً درست نیستند، ولی ضمن ارائه‌ی میزان تقریبی از بزهکاری‌ها و انحرافات، نشان می‌دهند چه کسانی از کل جمعیت بزهکاران و کثر رفتاران اجتماعی از سوی نهادهای کنترل اجتماعی به عنوان بزهکار و منحرف شناخته شده اند (kitsuse and Cicourel, 1963:131).

در ایران بر اساس گزارشهای موجود از سال ۱۳۴۷ تاکنون نزدیک به ۲۸ هزار نفر از کودکان و نوجوانان فقط به کانون اصلاح و تربیت تهران فرستاده شده اند که توزیع بزهکاری آنها در سرقت، انحرافات جنسی، دعوا و درگیری، خرید و فروش مواد مخدر و اعتیاد بوده است (گزارش مرکز آموزش و پژوهش زندان‌ها، ۱۳۷۶). در خرداد ۱۳۷۷ «بررسی ترکیب سنی زندانیان بیانگر آن است که ۳۵۲۷ نفر از زندانیان در گروه سنی زیر ۱۸ سال قرار دارند و انحرافات آنان به ترتیب اهمیت مربوط به سرقت، مواد مخدر، شرارت و منکرات است» (سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۷۷) (جدول ۱-۱).

جدول ۱-۱- تعداد کل زندانیان کشور بر حسب سن و جنس در سال ۱۳۷۷

مرد بالای ۱۸ سال	۱۳۶۴۳۹ نفر
مرد زیر ۱۸ سال	۳۳۰۲ نفر
زن بالای ۱۸ سال	۵۴۷۶ نفر
زن زیر ۱۸ سال	۲۲۵ نفر

همچنین آمار موجودی زندانیان به تفکیک نوع آمار و جرم و میزان درصد زن و مرد در شهریور ۱۳۸۰ به شرح زیر (جدول ۱-۲) بوده است (گزارش سازمان زندانها و اقدامات تامینی و امنیتی کشور، ۱۳۸۰).

جدول ۱-۲ - آمار موجودی زندانیان به تفکیک نوع آمار و جرم و میزان درصد زن و مرد در شهریور ماه ۱۳۸۰

میزان درصد		جمع کل		موجودی مرد		موجودی زن		نوع آمار جرم
مرد	زن	مرد	زن	بالای ۱۸ سال	زیر ۱۸ سال	بالای ۱۸ سال	زیر ۱۸ سال	
۴۲/۱۶	۲/۲۸	۶۷۶۰۸	۳۶۵۵	۶۷۰۳۷	۵۷۱	۳۶۱۸	۳۷	مواد مخدر
۱۵/۵۱	۰/۴۳	۲۴۸۷۱	۶۹۶	۲۴۷۰۳	۱۶۸	۶۸۵	۱۱	اعتیاد
۱۱/۵۷	۰/۱۸	۱۸۵۵۱	۲۸۲	۱۷۰۷۶	۱۴۷۵	۲۶۱	۲۱	سرقت
۶/۵۰	۰/۰۸	۱۰۴۲۴	۱۲۱	۱۰۳۹۴	۳۰	۱۲۰	۱	مالی
۵/۰۵	۰/۱۲	۸۱۰۴	۱۹۰	۷۶۱۲	۴۹۲	۱۷۶	۱۴	شرارت و اخلال
۳/۱۴	۰/۶۷	۵۰۳۵	۱۰۸۱	۴۷۵۷	۲۷۸	۹۲۷	۱۵۴	منکرات
۲/۹۱	۰/۱۸	۴۶۶۲	۲۹۳	۴۵۳۸	۱۲۴	۲۷۹	۱۴	قتل عمد
۱/۷۴	۰/۰۴	۲۷۹۲	۶۶	۲۷۷۰	۲۲	۶۶	۰	جعل
۱/۵۱	۰/۰۱	۲۴۲۲	۹	۲۴۱۱	۱۱	۹	۰	نظامی و انتظامی
۱/۲۸	۰/۰۱	۲۰۴۶	۱۲	۲۰۲۳	۲۳	۱۲	۰	قتل غیر عمد
۱/۱۵	۰/۰۰	۱۸۳۷	۷	۱۸۱۵	۲۲	۶	۱	سرقت مسلحانه
۰/۹۱	۰/۰۱	۱۴۶۰	۲۴	۱۳۶۵	۹۵	۲۲	۲	عبور غیر مجاز از مرز
۰/۷۷	۰/۰۰	۱۲۳۴	۲	۱۲۱۸	۱۶	۲	۰	قاچاق کالا و ...
۰/۶۳	۰/۰۰	۱۰۱۵	۵	۱۰۱۱	۴	۵	۰	خانوادگی
۰/۵۰	۰/۰۰	۷۹۴	۱	۷۷۱	۲۳	۱	۰	رانندگی
۰/۴۲	۰/۰۱	۶۷۵	۲۰	۶۴۵	۳۰	۱۷	۳	تخریب
۰/۲۳	۰/۰۰	۳۶۶	۴	۳۵۹	۷	۴	۰	تصرف
۹۵/۹۷	۴/۰۳	۱۵۳۸۹۶	۶۴۶۸	۱۵۰۵۰۵	۳۳۹۱	۶۲۱۰	۲۵۸	جمع کل

علاوه بر آمار مزبور که روند افزایشی را داشته، نوجوانی چرخه‌ای از زندگی آدمی است که بزهکاری در طول سالهای آخر آن به اوج می‌رسد. زیرا این دوره زمانی است که با ضعیف شدن نظارت والدین و گسترش روابط با گروههای مختلف از همالان، فشارهای اجتماعی ایجاد می‌شود. بسیاری از کودکان با ضربه‌ی عاطفی ناشی از گسیختگی

خانواده و تغییرات مکرر در ساختار خانواده، خودشان را تحت فشار می‌بینند و با ورود زودرس به حیطه‌ی تمایلات جنسی و استعمال مواد مخدر، از خود واکنش نشان می‌دهند (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۸۱). هم چنین زمانی که به سن بلوغ می‌رسند، انتظاراتشان زیاد می‌شود و بعضی از آنها قادر به مواجه شدن با تقاضاهای آکادمیک و اجتماعی نیستند. نوجوانان نگران وضعیت خود با همالان خود هستند، این گونه نقایص در چنین زمینه‌هایی می‌تواند به طرد شدن از اجتماعی که خود منبعی برای بزهکاری است منجر شود (همان، ۱۸۱). در اواخر دوران نوجوانی (۱۶ تا ۱۸ سالگی) نوجوانان ممکن است دچار نوعی بحران زندگی شوند که اریک اریکسون^۱ روانشناس مشهور، به آن هویت خود در برابر پراکندگی نقش را داده است؛ هویت خود زمانی شکل می‌گیرد که نوجوانان درک می‌کنند که چه کسی هستند و چه موضعی دارند. پراکندگی نقش هنگامی روی می‌دهد که نوجوانان دچار عدم اطمینان شخصیتی هستند، نوجوانان خودشان را به همه کار مشغول می‌دارند و خود را تحت فرمان رهبرانی قرار می‌دهند که به آنها وعده‌ی کسب احساس هویت را می‌دهند. امری که از انجام آن ناتوانند (همان، ۱۸).

به هر حال با توجه به آمار و ارقام پیش گفته در سطح داخلی می‌توان اظهار کرد که در وضعیت فعلی جامعه‌ی ایران به عنوان یک جامعه‌ی در حال گذار که در آن با انواع اختلالات اجتماعی - اختلال نمادی، اختلال توزیعی، اختلال هنجاری و اختلال رابطه‌ای که بطور بالقوه یا بالفعل با آن رویارو است (چلبی، ۱۳۷۵) و نظر به جوانی ساخت جمعیت در ایران و اینکه هرم سنی جوان، آسیب پذیرترین قشر در برابر عوامل تهدید کننده‌ی سلامت را تشکیل می‌دهند مسئله‌ی بزهکاری می‌تواند به عنوان یک مانع جدی در راه شکوفایی استعدادهای فردی و توسعه و ترقی مملکت قلمداد شود.

۲- ۱- منطق، اهمیت و ضرورت پژوهش

باتوجه به تنوع و شدت مسائل و مشکلات حاصل از بزهکاری، نکته‌ی اساسی آن است که علل و شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری به شیوه‌ی منظم و علمی مورد مطالعه قرار گیرد. تدوین راهکارهایی با این پدیده‌ی پیچیده‌ی اجتماعی «بزهکاری نوجوانان» در صورت ناشناخته ماندن ابعاد بنیادین آن - اگر ناممکن نباشد - امری دشوار است. آیا بزهکاری حاصل اختلالات روان شناختی است؟ واکنش جمعی نوجوانان علیه شرایط مخرب جامعه است؟ آیا رفتار بزهکارانه‌ی خطرناک تنها در مناطق بزرگ شهری و در میان جوانان طبقه‌ی پایین اجتماع وجود دارد و یا در سراسر

1. Erik Erikson

ساختار اجتماعی پراکنده است؟ تاثیر زندگی خانوادگی، استعمال مواد، تجربه های دوران مدرسه و روابط با همسالان بر نوجوانان و رفتار قانون شکنانه ی آنان چیست؟

چرا اغلب قانون شکنان جوان مسیر خود را ادامه نداده و به مجرمان بزرگسال تبدیل نمی شوند؟ (موضوعی که دوره ی کهولت بزهکاری نامیده می شود) چرا برخی از نوجوانان به متخلفان مزمن حرفه ایی تبدیل می شوند، چرا این افراد بزهکاری را از سنین پایین شروع کرده و تا بزرگسالی ادامه می دهند؟ چرا شدت تخلفات آنان افزایش می یابد؟ کدام عوامل تداوم بزهکاری را پیش بینی نموده و در مقابل عوامل منجر به ترک بزهکاری چیست؟

اگر پاسخ به این سئوالات داده نشود، تدوین شیوه های موثر پیشگیری، کنترل و مداخله ی علم محور در مسأله ی بزهکاری امری دشوار خواهد بود. مطالعه ی بزهکاری همچنین شامل تحلیل کار نهادهایی چون نظام دادرسی نوجوانان نیز می شود که برای رسیدگی به متخلفان نوجوان گرفتار در دست قانون، تاسیس شده اند. این نهادها چگونه باید با بزهکاران نوجوان برخورد کنند؟ حقوق قانونی کودکان چیست؟ برای مثال آیا کودکانی که مرتکب قتل می شوند باید به اعدام محکوم شوند؟ چه نوع برهه های اصلاح و تربیت در مورد نوجوانان بزهکار مؤثرند. در مجموع مطالعه ی علمی بزهکاری مستلزم درک ماهیت، وسعت قانون شکنی نوجوانان و روشهای ابداع شده برای کنترل آن است. این امر شامل موضوعات مهم علمی و اجتماعی مرتبط با بزهکاری مانند استعمال مواد مخدر، سوء رفتار با نوجوان و بی توجهی نسبت به آنها، آموزش و روابط میان همسالان نیز می گردد. براساس آمارهای پیش بینی شده توسط بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ حدود یک سوم از جمعیت کشور را افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله تشکیل می دهند. بنابراین، با توجه به ساختار سنی جوان کشور و نظر به آنکه جوانان، آسیب پذیرترین قشر جامعه در برابر عوامل تهدید کننده سلامت را تشکیل می دهند، تلاش این پژوهش ارائه ی نگاهی جامع به معضل بزهکاری از راه بررسی ماهیت، گستردگی، علتها، اقدامات و تلاشهای در حال انجام برای اصلاح نوجوانان دچار مشکل و جلوگیری از گسترش بزهکاری است.

۳-۱- اهداف پژوهش

۱-۳-۱- اهداف کلی

هدف کلی این پژوهش مطالعه ی سهم عوامل ساختاری و یادگیری اجتماعی در تبیین بزهکاری در بین نوجوانان شهر

تبریز در مناطق حاشیه نشین می باشد.

۲-۳-۱- اهداف ویژه

- تعیین رابطه بین سن و بزهکاری افراد.

- تعیین رابطه بین ساختار خانواده‌ی افراد و بزهکاری افراد.
- تعیین رابطه بین پایگاه اجتماعی، اقتصادی و بزهکاری افراد.
- تعیین رابطه بین آنومی اجتماعی و بزهکاری افراد.
- تعیین رابطه بین بی‌سازمانی اجتماعی و بزهکاری افراد.
- تعیین رابطه بین یادگیری اجتماعی افراد و بزهکاری افراد.

۴-۱- محدودیت‌های پژوهش

از موانع عمده‌ی این پژوهش حساسیت موضوعات مربوط به رفتار کجروانه می‌باشد. حساسیت موضوع سبب شد که بعضی از گویه‌های مربوط به بزهکاری (سن بلوغ و مسائل منجر از آن) مورد اندازه‌گیری و پرسش قرار نگیرد. همچنین نبود منابع دست اول در مورد تئوری ساختار و یادگیری اجتماعی رونالد اکرز، سبب شد که عمدتاً از مقالات استفاده شود.

۵-۱- سازماندهی گزارش

این پژوهش مشتمل بر پنج فصل می‌باشد. علاوه بر فصل حاضر، چهار فصل دیگر، نیز از مباحث این مطالعه است. فصل اول شمای کلی از مطالعه‌ی حاضر با توجه به سؤال کلیدی مطالعه است. در واقع کل مطالعه بر این امر استوار است که مکانیسم زیرین تعدیل و تغییر رفتار نوجوانان در جامعه چگونه صورت می‌پذیرد. و با توجه به سؤال کلیدی در مورد اینکه چگونه ساختار اجتماعی برای یادگیری اجتماعی رفتار بزهکارانه فضا سازی ایجاد می‌کند و سازوکار زیرین این فضا با توجه به ابعاد یادگیری؛ تقویت، تعامل افراد با هم و تعاریف افراد از انجام رفتارهای خویش می‌باشد، بنابراین این مطالعه بصورت سیستم وار در فصل‌های بعد نیز بصورت روش رئالیستی دنبال شده است.

در فصل دوم در بخش اول به فضای مفهومی چهار واژه‌ی کلیدی در این پژوهش (ساختار اجتماعی، یادگیری اجتماعی، بزهکاری و بزهکاری نوجوانان) اشاره خواهد شد. بخش دوم به بازکاوی مفهوم ساختار اجتماعی در رویکردهای مختلف و ارتباط آن با مفهوم کلیت زندگی اجتماعی اختصاص دارد؛ در قسمت دوم به بازکاوی مفهوم یادگیری اجتماعی و چگونگی تکوین مفهوم مزبور در رویکردهای کلاسیک و روان‌شناسی پرداخته شده است و همچنین به مفهوم واژه‌ی یادگیری مشاهده‌ای اشاره شده است.

دربخش سوم به تدوین دو مسئله‌ی مهم کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد یعنی آنومی اجتماعی و شهرنشینی پیرامونی (وابسته). در بخش چهارم به تدوین دو تئوری ساختار اجتماعی که مرتبط با مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه است، اختصاص دارد یعنی تئوری آنومی اجتماعی و تئوری بی‌سازمانی اجتماعی و سپس در ادامه آن به تئوریهای یادگیری متناسب با مدل تحلیلی پژوهش اشاره شده است، هدف از ارائه‌ی این بخش در واقع طرح مسئله‌ی بزهکاری نوجوانان بصورت سیستماتیک از نقطه‌ی شروع این مسئله است. در بخش پنجم به ارائه‌ی تئوری ساختار و یادگیری اجتماعی اکرز اختصاص یافته است، در پایان این بخش به استنتاج گزاره‌های تئوریک متناسب با رویکرد پژوهش حاضر پرداخته شده است.

در بخش ششم به پیشینه‌ی تجربی پژوهش حاضر پرداخته شده است. در پایان این بخش مدل تحلیلی پژوهش بر مبنای تئوریهای پیش گفته و با رویکردی جامعه‌شناختی در سطح خرد تدوین یافته است و پس از آن شرح مختصری از مدعیات هر مدل آورده شده است و در نهایت فرضیات برآمده از مدل نظری در سطح خرد، بطور جداگانه و نیز در مدل چند طرفه عنوان شده اند.

در فصل سوم به تعریف مفاهیم (زبان نظری) و عملیاتی سازی (زبان تجربی) آن؛ (مفاهیم بزهکاری، یادگیری اجتماعی و ساختار اجتماعی و...) اشاره شده است. همچنین به موضوعاتی چون جمعیت و جامعه‌ی آماری، سطح خرد (واحد تحلیل)، جامعه‌ی آماری، نمونه آماری، شیوه تعیین حجم نمونه، روش نمونه‌گیری و تخصیص نمونه، مکان پژوهش، نحوه جمع‌آوری داده‌ها، استراتژیهای پردازش داده‌ها و اطلاعات نیز پرداخته شده است.

فصل چهارم به تحلیل داده‌های پژوهش از جمله تحلیل‌های یک متغیری، دو متغیری و چند متغیری اختصاص دارد تاکید خاص در این مطالعه عمدتاً بر روی تحلیل مدل معادلات ساختاری قرار دارد و دنبال پاسخ گویی به این سوال است که آیا داده‌ها با مدل ساختار و یادگیری اجتماعی برازش می‌شود؟ و سعی شده است که از تحلیل‌های اضافی خودداری شود.

فصل پنجم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد. این نتیجه‌گیری عمدتاً حاصل برازش داده‌ها با الگوی تئوریک است و این الگوی نظری در واقع بزهکاری را فرایندی می‌بیند و سطح تحلیل خود را در پیدایش مسائل اجتماعی جمعی می‌داند (ساختار و دیدن زندگی اجتماعی به مثابه کل).

مقدمه

این فصل شامل شش بخش می باشد. در بخش اول به فضای مفهومی چهار واژه‌ی کلیدی در این پژوهش (ساختار اجتماعی، یادگیری اجتماعی، بزهکاری و بزهکاری نوجوانان) اشاره خواهد شد. بخش دوم به بازکاوی مفهوم ساختار اجتماعی در رویکردهای مختلف و ارتباط آن با مفهوم کلیت زندگی اجتماعی اختصاص دارد. در قسمت دوم به بازکاوی مفهوم یادگیری اجتماعی و چگونگی تکوین مفهوم مزبور در رویکردهای کلاسیک و روان شناسی پرداخته شده است و همچنین به مفهوم واژه‌ی یادگیری مشاهده‌ای اشاره شده است.

در بخش سوم به تدوین دو مسئله‌ی مهم کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد یعنی آنومی اجتماعی و شهرنشینی پیرامونی (وابسته). در بخش چهارم به تدوین دو تئوری ساختار اجتماعی که مرتبط با مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه است، اختصاص دارد یعنی تئوری آنومی اجتماعی و تئوری بی سازمانی اجتماعی و سپس در ادامه آن به تئوریهای یادگیری متناسب با مدل تحلیلی پژوهش اشاره شده است، هدف از ارائه‌ی این بخش در واقع طرح مسئله‌ی بزهکاری نوجوانان بصورت سیستماتیک از نقطه‌ی شروع این مسئله است. در بخش پنجم به ارائه‌ی تئوری ساختار و یادگیری اجتماعی اکرز اختصاص یافته است، در پایان این بخش به استنتاج گزاره‌های تئوریکی متناسب با رویکرد پژوهش حاضر پرداخته شده است.

در بخش ششم به پیشینه‌ی تجربی پژوهش حاضر پرداخته شده است. در پایان این بخش مدل تحلیلی پژوهش بر مبنای تئوریهای پیش گفته و با رویکردی جامعه‌شناختی در سطح خرد تدوین یافته است و پس از آن شرح مختصری از مدعیات هر مدل آورده شده است و در نهایت فرضیات برآمده از مدل نظری در سطح خرد، بطور جداگانه و نیز در مدل چند طرفه عنوان شده اند.

۱-۲- باز کاوی مفاهیم اساسی پژوهش

۱-۱-۲- فضای مفهوم ساختار اجتماعی

کلمه‌ی ساختار (structure) از کلمه‌ی لاتین *structura* و از فعل *struere* به معنی ساختن و بنا کردن گرفته شده است (Gluksmann, 1979:1)، تا قبل از قرن هفدهم این کلمه تنها در معماری بکار می‌رفت، و بعد از آن در علم کالبد شکافی و دستور زبان نیز بکار برده شد. ترکیب اجزاء ارگانیک انسان نوعی ساختمان تصور می‌شد و گمان می‌رفت که ترتیب و ترکیب کلمات نیز در زبان انسان دارای ساختار است (توسلی، ۱۳۷۹:۱۲۵).

در علم جامعه‌شناسی برای اولین بار هربرت اسپنسر^۱ مفهوم ساختار اجتماعی را برای اشاره به افزایش تمایز و تخصصی شدن ارگانیک بیولوژیکی (جامعه) بکار برد (کوزر، ۱۹۷۱، ۱۳۸) و مفهوم بندی وی از ساختار اجتماعی همواره با ارگانیک گرائی همراه بوده است (توسلی، ۱۳۷۹:۱۲۶). قیاس میان ساختار اجتماعی و ساختار ارگانیک زیستی، نتایج روش شناختی مهمی را بیار آورد. بنابراین معنا و مفهوم ساختار در هر دو مورد عبارت شد از سازمان و ترتیب بخشهای مشاهده پذیر که در کل ساختار اجتماعی وجود دارند.

گرایش دیگر در مطالعه‌ی ساختار اجتماعی توسط هنری مورگان بوجود آمد. مورگان داده‌ها را با توجه به سازمان سیستم اجتماعی و بدون توجه به تشابه ارگانیک گرائی که موقعیت ممتاز را به پدیده‌های قابل مشاهده می‌داد، مورد بررسی قرار داد. بنابراین در تعریف گرایش دوم از مفهوم سازی ساختار اجتماعی در علوم اجتماعی به تعریف مزبور می‌رسیم که «هرگاه میان عناصر و اجزای یک مجموعه که کلیت آن مورد نظر است، رابطه‌ای نسبتاً ثابت برقرار باشد، به مفهوم ساختار اجتماعی خواهیم رسید». از این رو ساختار دارای دو وجه است: یکی متشکل از عناصر تشکیل دهنده‌ی آن و دیگر روابط نسبتاً ثابتی که عناصر تشکیل دهنده‌ی ساختاری را به همدیگر مرتبط می‌سازد (همان: ۱۲۵).

شاید بتوان با استعانت از دایرةالمعارف جامعه‌شناسی^۲ یک تعریف جامع برای ساختار اجتماعی ارائه داد. دایرةالمعارف مزبور ساختار اجتماعی را چنین تعریف می‌کند:

«ساختار اجتماعی یک مفهوم کلی برای اشاره به شرایط اجتماعی جمعی که نمی‌توان آن را به اعمال و رفتارهای فردی خاص تقلیل داد، اشاره دارد. ساختار اجتماعی یک زمینه و محیط را برای اعمال افراد جامعه فراهم می‌کند،

1. Herbert Spencer

2. Encyclopedia of Sociology(2000)

اندازه‌ی سازمان، توزیع کنشهای افراد در فضای اجتماعی، زبان مشترک، توزیع ثروت و... باید بعنوان شرایط ساختار اجتماعی در نظر گرفته شوند که ساختار اجتماعی بعنوان واقعیت اجتماعی بیرون از افراد هم توانا ساز و هم محدود کننده‌ی کنشگران اجتماعی است» (Borgatta and Montgomery; 2000: 2822-2823).

۲-۱-۲- فضای مفهوم یادگیری

در فرهنگ لغت (American Heritage Dictionary) یادگیری اینگونه تعریف شده است: کسب دانش، فهمیدن، یا تسلط یابی از راه تجربه. اما بیشتر تئوری پردازان مفهوم یادگیری این تعریف را نمی‌پذیرند. زیرا در آن اصطلاحات مبهم دانش، فهمیدن و تسلط یابی بکار رفته است (هرگنهان و اولسون، ۱۹۷۹: ۱۸). در سالهای اخیر تئوری پردازان به تعریفهایی تمایل نشان داده اند که در آن یادگیری به تغییر در رفتار مشاهده پذیر اشاره می‌کند. معروفترین این تعریفها، تعریفی است که بوسیله‌ی کیمبل^۱ پیشنهاد شده است. کیمبل یادگیری را بصورت تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه (توان رفتاری)^۲ که در نتیجه‌ی تمرین تقویت شده رخ می‌دهد تعریف کرده است (کیمبل، ۱۹۶۱: ۶؛ به نقل از هرگنهان و اولسون، ۱۹۷۹: ۲۴). بر اساس تعریف مزبور، نخست اینکه یادگیری تغییر در رفتار است. به سخن دیگر نتایج یادگیری همواره باید قابل انتقال به رفتار مشاهده پذیر باشد. پس از یادگیری، یادگیرنده^۳ قادر به انجام کاری خواهد بود که پیش از یادگیری نمی‌توانست انجام دهد. دوم، این تغییر رفتاری نسبتاً پایدار است؛ یعنی نه موقتی است نه ثابت. سوم اینکه، تغییر در رفتار نباید پس از تجربه‌ی یادگیری رخ دهد. اگر چه در نتیجه‌ی یادگیری در یادگیرنده توانایی بالقوه‌ی متفاوت عمل کردن ایجاد می‌شود، این توانایی ممکن است بلافاصله در رفتار یادگیرنده ظاهر نشود. چهارم، تغییر در رفتار (یا رفتار بالقوه) از تجربه یا تمرین ناشی می‌شود. پنجم اینکه، تجربه یا تمرین باید تقویت شود (هرگنهان و اولسون، ۱۹۹۷: ۱۸).

اکثر تئوری پردازان یادگیری، فرایند یادگیری را واسطه‌ی رفتار می‌دانند. برای تئوری پردازان مفهوم یادگیری، یادگیری فرایندی است که در نتیجه‌ی تجارب معین صورت می‌پذیرد و پیش از تغییر رفتار رخ می‌دهد. در واقع یادگیری یک متغیر رابط و میانین تلقی می‌شود (همان، ۲۰).

1. Kimble

2. Behavioral potentiality

3. Learner

هرگنهان و اولسون^۱ در کتاب تئوریهای یادگیری تعریفی را از یادگیری ارائه داده اند که نسبت به مفهوم تقویت در تعریف کیمبل حالت خنثی دارد:

«یادگیری ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا رفتار بالقوه است که از تجربه ناشی می شود و نمی توان آن را به حالتی موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی، یا داروها ایجاد می شود نسبت داد.»

این تعریف بر اهمیت تجربه تأکید دارد، اما به پژوهشگر این امکان را می دهد که نوع تجربه ای را که برای وقوع یادگیری ضرورت دارد خود مشخص کند؛ مثلاً تمرین تقویت شده، مجاورت بین محرک و پاسخ، یا کسب اطلاعات. این تعریف همچنین نشان می دهد که تجربه می تواند علاوه بر یادگیری به رویدادهای دیگری که سبب تغییر رفتار می شوند منجر گردد. احساس افسردگی یکی از این رویدادها است (همان: ۲۴).

۳-۱-۲- فضای مفهوم بزهکاری

هر جامعه ای برخی از الگوهای رفتاری را نادرست می انگارد و غالباً یک چنین رفتاری به لحاظ متفاوت بودن، کجروانه می پندارند (بییتس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۴۱۵) و ضمناً انحراف رفتاری است که مخرب زندگی بوده، مورد سرزنش قرار می گیرد و یا موجب جریمه می گردد (ستوده، ۱۳۷۴: ۳۱)، بخشی از این رفتارهای انحرافی که بزه نامیده می شود؛ در واقع تحت تأثیر وضعیت ارتباطی فراهم آمده توسط خرده فرهنگ انحرافی منجر به یادگیری و توجیه بزهکاری می گردد (Mckee, 1975: 562).

بزهکاری از واژه ی لاتینی (Delinquer) از معنای خطا کردن گرفته شده است و وضع و حالتی است که شخص تخطی کننده از الزامات قانونی خود را با آن مواجه می یابد. در این صورت ارتکاب جنایت موجب اسناد مسئولیت به مجرم شده و متعاقب آن با مجازاتهایی روبرو می شود. بنابراین اصطلاح بزهکاری را می توان به هنگام مشخص ساختن ویژگیهای تمامی اشکال تخطی از قانون و همچنین امور جنایی (نظیر دزدی، تقلب، جرایم، سوء استفاده های مالی و...) که در کشور یا منطقه و یا دوران خاص اتفاق می افتند، بکار برد (بیرون، ۱۳۷۰: ۷۵۰). علاوه بر آن بزهکاری معمولاً مجموعه ی وسیعی از موارد نقض هنجارهای قانونی و اجتماعی را در بر می گیرد (Abercrombie, 1984: 62) و در معنایی کلی تر بزه عبارت از اقدام به عملی است که برخلاف موازین مقررات و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد (احمدی، ۱۳۷۵: ۶۲) و لذا اقدام به عملی است که برخلاف موازین

1 . B.R.Hergenhahn And M. H. Olson

و معیارهای ارزشی فرهنگ هر جامعه باشد در آن جامعه بزهکاری یا جرم تلقی می‌شود و کسانی که مرتکب چنین اعمال خلافی می‌شوند مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند. در برخی موارد می‌توان آنها را افراد قانون شکن نامید یعنی کسانی که از قانون پیروی نمی‌کنند (فرجاد، ۱۳۷۱: ۳۲) تعریف مزبور می‌رساند که...
 نخست: بزهکاری لزوماً همان جرم نیست؛ زیرا این رفتار می‌تواند قانون جزا را نقض نکند و جنبه کیفری نیز نداشته باشد یا ضد اجتماعی نباشد.

دوم اینکه، این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا می‌توان کژرفتاران نوجوان را بجای مجرم نامیدن، بزهکار نامید و اگر چنین اعمالی از سوی بزرگسالان انجام شوند چرا با برچسب مجرم روبرو می‌شوند (محمدی اصل، ۱۳۸۴: ۴۱).
 وجود چنین نکاتی سبب می‌شوند که بتوان از مفهوم بزهکاری تعریفی گسترده‌تر ارائه داد. بنا براین از این دید، بزهکاری مبین کنشی است که در فرایند جامعه پذیری و در قالب ساختهای نظام اجتماعی، از ضعف تعلق رسمی و جمعی غالب، ناشی شده و نوعی تمایل جامعه ستیزی در شخصیت کنشگر را منعکس می‌کند (همان، ۴۱) و به لحاظ عملیاتی از روی رفتارهایی چون سرقت، دعوا و شرارت، چاقو کشی، انحرافات جنسی، اعتیاد، خرابکاری و... قابل مشاهده است (همان، ۵۹).

۴-۱-۲- فضای مفهوم بزهکاری نوجوانان

در بیشتر کشورها واژه بزهکاری نوجوانان به فردی اشاره می‌کند که سن او معمولاً بین ۱۳ تا ۱۸ سال است و مرتکب عملی شده است که از دیدگاه قانون شایسته‌ی مجازات است (احمدی، ۱۳۷۵: ۲). بنابراین در این مورد باید دو نکته را روشن کرد: یکی اینکه حیطه‌ی سنی بزهکاری چقدر است و دیگر آنکه ویژگیهای بزهکاری نوجوانان کدام ها است.

اکثر جرم شناسان آغاز بزهکاری را از سن ۱۲ سال دانسته‌اند (علمی، ۱۳۴۸: ۱۷۵). به این جهت حیطه‌ی سنی بزهکاری غالباً با تعیین سن مسئولیت کیفری مترادف است. سن مسئولیت کیفری سنی است که افراد پایین تر از آن سن، بیش از حد خردسالند که مسئول اعمال خویش باشند و بتوانند با جرایم کیفری مواجه شوند. بر این بنیان به دوره ای از صغارت اعمال می‌شود که ما بین خردسالی و صغارت قرار دارد و از لحاظ نهادهای قانونی و جزایی، متهم در این دوره‌ی سنی، اهلیت قانونی ندارد. مراحل صغارت از نظر قانون در برگیرنده‌ی سه دوره است:

(۱) سن عدم مسئولیت از ابتدای ولادت طفل تا سن تمیز

(۲) سنّ مسئولیت خفیه از سن تمییز تا سن رشد

(۳) سنّ مجازات مخفّفه که طی آن فرد در آستانه‌ی کامل شدن قرار دارد.

در جرم شناسی بطور خاص عنوان بزهکاری برای تشریح شیوع وافر جرایم کیفری مورد ارتکاب نوجوانان ۱۲ تا ۲۰ سال بکار می رود (Abercrombie, 1984: 62). بنابراین دوران نوجوانی را نمی توان به سنین خاصی محدود دانست؛ زیرا بر حسب افراد و جوامع متفاوت است. در واقع شروع آن را که همراه با بلوغ جنسی است تقریباً با قاطعیّت بیشتری می توان تعیین نمود، ولی پایان آن بر حسب شرایط فرهنگی و محیطی نمی توان در جوامع یکسان دانست. از این رو برای پرهیز از ابهام، سنین ۱۳ تا ۱۸ سالگی را سنین نوجوانی می نامند (شرفی، ۱۳۷۴: ۵۹).

در قانون مجازات عمومی ایران (مصوب ۱۳۰۴/۱۰/۲۲) با الهام از قانون جزای عمومی فرانسه و تحت تأثیر مکتب کلاسیک و فقه، کودکان به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) کودکان کمتر از ۱۲ سال حکم صغیر غیر ممیز را دارند که از نظر جزایی نمی توان آنها را محکوم کرد (ماده ۳۴) و در صورتی که جرمی مرتکب شوند باید به والدین خود با تأکید به تأدیب و تربیت در مواظبت در حسن اخلاق آنها سپرده شوند.

ب) کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال (ممیز) که به موجب ماده‌ی ۳۵ در صورت ارتکاب جنحه یا جنایت به ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق محکوم می شوند.

ج) کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ که به موجب ماده‌ی ۳۶ در صورت ارتکاب جرم به مجازات حبس در دارالتأدیب (در صورت ارتکاب جنایت) و مجازات حداقل نصف و حداکثر مجازات (در مورد جنحه) خواهند رسید که این نصف مجازات اشخاص بزرگسال در جنحه است (شامبیاتی، ۱۳۷۳: ۲۵).

بزهکاری نوجوانان در جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمودار می شود. در بعد اقتصادی بزهکاری نوجوانان در عرصه‌ی بزه بر ضدّ اموال (سرقت، خرابکاری، خسارات مالی)، در بعد سیاسی در حیطه‌ی بزه بر ضدّ نظم عمومی (اعتیاد به مواد مخدر، گدایی، ولگردی)، در بعد اجتماعی بزه بر ضدّ اشخاص (اعمال منافی عفت، ایراد ضرب و جرح عمدی) بوده و در بعد فرهنگی (وضع پوشش، موسیقی مخالف عرف و برگزاری و شرکت در مجالس مخالف عرف) بروز می کند (محمدی اصل، ۱۳۸۴: ۵۸).

۲-۲- باز کاوی مفاهیم ساختار اجتماعی و یادگیری اجتماعی در رویکردهای مختلف

۲-۲-۱- فضای مفهوم ساختار اجتماعی از رویکردهای مختلف

در این بخش کوشش می‌شود که مفهوم ساختار اجتماعی با مفهوم سازه‌های کم و بیش نزدیک بهم در رویکردهای انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانکاوی و... (عمدتاً از سوی تئوری پردازان آن) مورد باز کاوی واقع شود. هدف از ارائه‌ی این بخش شفاف سازی مفهوم ساختار اجتماعی از رویکردهای گوناگون و تاکید بر مفهوم کلیت زندگی در مورد بروز مسائل اجتماعی و در این پژوهش مسئله‌ی بزهکاری نوجوانان می‌باشد.

۲-۲-۱-۱- رویکرد انسان‌شناسی

راد کلیف براون، ساختار اجتماعی را سلسله روابط موجود در یک زمان مفروض می‌داند که اشخاص را به همدیگر پیوند می‌دهد و شکل ساختاری صورت کلی روابط است که نسبتاً پایدار است و از تجرید موارد خاص بدست می‌آید؛ فرج در مطالعات خود ساختار اجتماعی را روابط اجتماعی می‌داند که اهمیت اساسی برای رفتار اعضای جامعه دارند و اگر آن روابط عمل نکنند، جامعه دیگر بدان شکل وجود نخواهد داشت (توسلی، ۱۳۷۹: ۱۲۹). نیدل با استفاده از مفهوم نقش، ساختار را در سطح انتزاعی‌تری بررسی می‌کند و می‌نویسد:

«چنانچه از رفتار جمعیتی خاص، الگوی شبکه یا نظام شبکه‌ی آن را تجرید کنیم به ساختار جامعه خواهیم رسید و این ساختار عبارت است از قابلیت نقش پذیری افراد در رابطه با یکدیگر» (firth, 1951: 51).

از دید فورتز ساختار بلافاصله در واقعیت انضمامی و تجربی قابل مشاهده نیست؛ زمانی ساختار را می‌توان از واقعیت انضمامی وقایع اجتماعی بیرون کشید که آن را از واقعیت تجرید کرده باشیم (fortes, 1949: 56). از دید لوی اشتراوس منظور از ساختار، ترکیب خاص همبستگی اجزاء یک مجموعه به هدف معین است. ساختار شیعی مخصوص و واقع در جهان خارج نیست، بلکه صرفاً جنبه‌ی اعتباری و ذهنی دارد. چنین ساختاری از دید وی دارای سه خصلت اساسی است:

- ۱) همچون منظومه یا نظامی است که دگرگونی هر جزء آن موجب دگرگونی دیگر اجزاء می‌شود.
- ۲) هر ساختاری میتواند بصورت نمونه‌های فراوان دیگری از نوع خود بروز کند.
- ۳) ساختار خاصیت پیش بینی دارد که اگر در یک یا چند عنصر از عناصر ساختاری تغییراتی پدید آید، در کل ساختار چه واکنشی پدید می‌آید (بنقل از توسلی، ۱۳۷۹: ۲۸۰؛ strauss, 1969).

۲-۱-۲-۲- روانکاوی

برخورد فروید^۱ با ساختار ذهن کاملاً تحلیلی است. نحوه‌ی تعامل سطوح و عناصر متشکله‌ی ذهن را می‌توان با دو مجموعه از پدیده‌های ذهنی مشخص کرد. نخست: ناخودآگاه، نیمه خودآگاه و خودآگاه که مناطق مختلف ذهن را تشکیل می‌دهند و دوم: ناخودآگاه، نیمه خودآگاه و خودآگاه که بیشتر صفات ذهن هستند و نه منطق آن. هر ساختار روانی، ترکیب انطباق یافته‌ای است از تعارضات و تضادهای موجود در سطح ساختاری نهاد خود و فراخود در خلال زمان. این انطباق و فشارها در سطح خودآگاه قابل توصیف است. فروید ناخودآگاه را حوزه‌ای مستقل و غیر قابل تقلیل به سایر سطوح فرض می‌کند و می‌نویسد: ناخودآگاه چیزی نیست که بطور موقت در جایی پنهان مانده باشد، بلکه قلمرو ویژه‌ای است که دارای آرزوها، نحوه‌ی بروز و سازوکارهای ذهنی ویژه‌ای است؛ منظور فروید این است که ناخودآگاه، ساختار واقعی است (توسلی، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

از دید لاکان^۲ تنها شیوه‌ی برخورد با ناخودآگاه از طریق زبان میسر است. ساختارهای ذهن ضمن فراگرفتن زبان میسر است. آنچه انسان فرا می‌گیرد ناشی از زبان است و نه تجربه. کودک این مطلب را که آتش دستش را می‌سوزاند نه با دست زدن به آتش، بلکه با شنیدن اینکه آتش سوزنده است می‌آموزد. ساختار ناخودآگاه را تنها می‌توان از طریق زبان آشکار ساخت (همان: ۱۳۸).

بنابراین روانکاوی کل شخص را در رابطه با دیگری، پیوستگی تاریخی، مجموع روابطش با محیط بیرونی و گوناگونی روابطش مورد تحلیل قرار می‌دهد. واکنش کلی فرد در برابر وضعیت کلی زندگی فرد حاصل رفتارها و عارضه‌های روانی فرد است.

۳-۱-۲-۲- رویکرد گشتالت

ژان پیاژه^۳ ساختار را با رویکرد گشتالت در روان‌شناسی مورد تحلیل قرار می‌دهد. رویکرد گشتالت بر این بنیان اساسی مبتنی است که ادراک کلی فرد (بالقوه یا بالفعل) قبل از ادراکات جزئی پراکنده، واقعیت پیدا می‌کند، ساختار اجتماعی نیز کلیت پیچیده‌ای است و قبل از اجزاء و سلسله مراتب درونی خود وجود دارد. ساختار اجتماعی مجموعه‌ی در حال حرکتی است که کل یک جامعه را شامل می‌شود. کل غیر قابل تفکیک به اجزاء خویش است و در زمان واحد نمی‌تواند بدون اجزاء وجود داشته باشد. کل و اجزاء آن با هم در حال حرکت هستند (همان، ۱۴۱).

1 . freud

2 . lucan

3 . Jean Piaget